

# شّمه‌ای از ابعاد تربیتی نماز

کنند. «وما منعهم ان نقل منهم نفقاتهم إلا انهم كفروا بالله ورسوله ولا یأتون الصلوة الا وهم کسالی ولا ینفقون الا وهم کارهون» (توبه/ ۵۴)

مانع قبول خرجهایشان چیزی جز این نبود که آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند و جز به حالت ملالت به نماز نیایند و جز به کراهت انفاق نکنند.

و آنان نیز که در آغاز راهند و هنوز عبودیت در آنان غیر نافذ و مطحی است، عبادتشان نیز سطحی، کم اثر و همراه با سختی و تکلف است: «وانها لکبیرة الا علی العاصمین» (بقره/ ۴۵).

- و آن بسی سنگین و دشوار است مگر برای خشوع پیشگان. و آنگاه که عبودیت در درون به وضعیتی پایدار رسید و بردل نشست و قلب در برابر آن تسلیم و خاشع گردید عبادت نیز نه فقط آسان که بیاضمانه و دلپذیر و موجب رضامندی و خشنودی و بالآخره تجلیگاه دوستی و حب معبود می شود و زمینه را برای محبت متقابل معبود محبوب فراهم می سازد:

«قل انکم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله» (آل عمران/ ۳۱)

- بگو اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد.

و در پرتو این حب و عشق به معبود است که انسان، دلباخته او و پاکباخته پرستش و عبادتش می شود: امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم فرموده است: «افضل الناس من عشق العادة فعاتقها واحبا بقلبه و باشرها بجسده و نقرغ لها فهو لایالی علی ما اصبح من الدنيا علی عسرام علی یسر» (کنز/ ج ۲ ص ۸۳).

- بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود با عبادت دست به گردن شود و آن را از دل دوست دارد و با تن خود انجام دهد (آن را به آغوش کشد) و خود را برای آن فارغ کشد و بدین ترتیب چنین شخصی پاک ندارد که زندگی دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی.

## کیفیت عبادت

پیش از این ذکر شد که: مطلوب در عبادات آن است که باطن نفس صورت عبودیت شود و اکنون چنین می گوئیم که یکی از اسرار و نتایج عبادات و ریاضات آن است که اراده نفس در ملک بدن نافذ گردد.

... و امر ملکوت در ملک جاری و نافذ شود و اراده نفس قوت گیرد و زمام مملکت را از دست شیطان و نفس اماره بگیرد و جنود نفس از ایمان به تسلیم و از تسلیم به رضا و از رضا به فنا سوق شوند. (آداب الصلوة/ ۲۹)

این فصل را با سخن و یاد حضرت امام خمینی قدس سره آغاز کردیم تا اولین سخن که بعد از رحلت این انسان ملکوتی و معلم ربانی در ادامه بحث به رشته تحریر می آید با یاد او و اشتماد از روح الهی او باشد.

با تثبیت صورت عبودیت در باطن نفس و بسط و تعمق آن در روان انسان به همان گونه که نمودهای برونی آن کل زندگی را در بر می گیرد و تا ریزترین و حتی مادی ترین شئون آن گسترش می یابد بهمان نسبت نیز و به میزان رسوخ حقیقت عبودیت در درون انسان نمودهای آن از کیفیت و محتوای برتری برخوردار می شود، و به این ترتیب اگر انسان فطرت عبودیت را در خود تقصیر و تباه کرده باشد در رفتارهای او نیز اثری از عبادت حقیقی یافت نمی شود و اگر هم از روی نفاق و تظاهر و برخلاف شاکله درونی خویش بخواهد عبادتی صورتی انجام دهد توأم با کسالت و کراهت است. «ان المنافقین یخادعون الله وهو خادعهم و اذا قاموا الى الصلوة قاموا کسالی براؤن الناس» (نساء/ ۱۱۲)

همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند و خدا نیز به آنها مکر می کند و چون به نماز خیزند با ملالت و کسالت خیزند با مردم ریا

## عبادت برای یاد خدا

عبادتی موجب تقرب به خداست که منشاء «ذکرالله» و وسیله یاد او باشد و عبادتی که همراه با یاد خدا نباشد، بی اثر است و اگر موجب ذکر غیر خدا و برای غیر او باشد ضارزش است و عامل خسران و سقوط.

عبادتی که همراه با ذکر و خشوع قلبی نباشد و متضمن مجموعه آداب قلبیه و شرایط باطنیه نباشد، موجب کمال مطلوب نیست و حداکثر آن که اگر عبادت مستجمع جمیع شرایط صحت باشد، مسقط تکلیف است.

در روایتی که از پیامبر عظیم الشان اسلام نقل شده آمده است که: «انما فرضت الصلوة و امر بالحج و الطواف و اشرفت المناسک لاقامة ذکرالله» (جامع السعادات ج ۳/۲۶۳)

- بدان جهت نماز واجب گردیده و به حج و طواف امر شده و مناسک شعائر قرار داده شده است که «ذکرالله» تحقق یابد. و در قرآن مجید، هدف از اقامه نماز را بطور برجسته، ذکرالله بیان داشته است:

«واقم الصلوة لذکری» (سوره/۱۱۴) - و نماز را برای یاد من بپای دار. پس هدف اصلی از عبادات بویژه نماز که کاملترین عبادات است، ذکرالله بوده و فقط با تحقق مجموعه شرایط قبولی است که عبادات و از جمله نماز ملازم با ذکرالله می شود که بزرگترین مطلب است: «و لذكرالله اکبر» (منکوت/۴۵)

و چنین نمازی است که بازدارنده از تمام زشتی ها و منکرات است: «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (منکوت/۴۵) - همانا نماز بازدارنده از زشتیها و کارهای ناشایست است.

چرا که ذکر خدا - که نماز مهمترین عامل آن است - تنها و یگانه وسیله اطمینان نفس است: «الا بذكرالله تطمئن القلوب» (سوره/۲۸) - فقط با یاد خداست که دلها آرامش و طمانینه می یابد. و اطمینان قلب و برخوردارگی از نفس مطمئنه است که انسان را از ذلت گناه و رذایل اخلاقی دور می سازد همانگونه که غفلت از خدا منشاء ذلت و اضطراب نفس است و ریشه تمام رذایل اخلاقی و بدیها که زندگی را بر انسان تنگ و تاریک می سازد، را باید در ذلت نفس و پستی و مهانت روان جستجو کرد.

آری، آنگاه که انسان از طریق عبادت مقبول و تحقق ذکرالله در قلب خویش به خدای متعال تقرب یافت و از مدارج ایمان و معارج عبادت، به مقام وصول به وصال محبوب مطلق دست یافت و با تمسک به «جبل الله المتین» خود را متصل به «معدن عظمت» و وابسته به «عز قدس الهی» یافت، چنان از اطمینان و آرامش لبریز می شود و از

قوت قلب و عزت نفس برخوردار می گردد که دیگر برای جلب منفعت و دفع ضرر که محرک عمده کارهای انسان است تن به هیچ نوع ذلت و پستی نمی دهد و از هرگونه گناه و زشتی و رذایل اخلاقی مبرا می شود مثل انسان در این حالت، مثل کسی است که به آب زلال و گوارای اقیانوسی بی کران دست یافته و از آن سیراب شده باشد. طبیعی است که در این حالت از نگاه به نیمه استکانی از آب شور و متعفن و حتی تصور آن احساس انزجار و نفرت می کشد و طعم و بوی آن برای او تهوع آور و آزار دهنده است.

در حالی که انسان تشنه و عطش زده ای که در بیابان راه گم کرده و سرگردان به هرسومی دود و به هرطرف می نگرند چیزی جز زمین شوره زار و تفتیده نمی بیند و گرمای سوزان ناپستانی و تابش آفتاب تند آن جگر او را متلاشی و کماش را خشکانده است و هرگونه امید را نسبت به دسترسی به آب گوارا و حیات بخش از دست داده است، همان نیمه استکان آب گندیده و نفرت انگیز در چنین شرایطی برای او چنان لذت بخش و دلپذیر است که با ولع هرچه تمامتر، دست طلب به سوی آن دراز می کند و آن را به جان می خورد و حاضر است هرچه را در اختیار دارد نثار کند تا از این آب گندیده کام بگیرد و بیکر بی رمق خود را برای یکساعت هم که شده از کابوس مرگ و نابودی نجات بخشد.

باری آنانکه به سرچشمه زلال حقیقت دست یافته و از آب حیات معرفت و ایمان سیراب شده اند و با مبداء عزت و قوت پیوند خورده اند دل بستگی به دنیا و تمام لذتهای آن برای آنان حکم همان آب گندیده را داشته که از آن گریزان و متنفرند و آنان که در چاه تاریک خودبینی و خودپرستی و هواهای نفسانی فرو رفته و در وادی ضلالت سرگشته اند دل به جیفه دنیای فانی و لذتهای حیوانی بسته اند و چنین می پندارند که روان مضطرب و تشنه سعادت خود را می توانند با سراب گناه در منجلاب فسق و فجور، سیراب سازند.

بنابراین، برای دست یافتن به تمام خوبیها و سعادهای واقعی و پایدار و از جمله نیل به فضایل اخلاقی و تضمین قطعی آنها تنها و تنها یک راه وجود دارد و آن هم ایمان به خدا و ذکر او و تنها وسیله و راه تحقق «ذکرالله» نیز عبادات هستند و بدینوسیله است که انسان به مقام «خلیفة الله» می رسد و مثل خدا می شود. خدائی که کمال مطلق است و دارای تمام صفات جمال عبادات و وسیله تقرب واقعی انسان به خدا و عامل پیوند و اتصال و همگونی او با مبداء کمال و عزت و قدرت مطلق هستند تا جایی که انسان خداگونه شده و گوش و چشم و زبان و دستش آنچنان الهی می شوند بدان گونه که امام باقر علیه السلام در این روایت فرموده است:

«... وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُ إِفْرَاضُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّوَالِفِ حَتَّى أَحْبَهُ فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ إِذَا سَفَعَهُ اللَّهُ يَسْتَعِ بِهٖ وَتَضَرُّهُ الَّذِي يَتَضَرُّهٖ وَلِسَانُهُ الَّذِي يُنْقَلِقُ بِهٖ وَيَدُّهُ الَّتِي تَيْطِشُ بِهَا...» (کافی- ج ۲/۳۵۲) خداوند متعال در این حدیث قدسی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است می فرماید:

به من نزدیک نمی شود بنده ای از بندگانم به چیزی که محبوبتر باشد نزد من از آنچه بر او واجب کرده ام - نزد من هیچ چیز محبوبتر از عبادات واجبه نیست که به وسیله آن بنده ام به من نزدیک شود - و همانا بنده ام به وسیله عبادات مستحبه - که مکمل واجبات هستند - به سوی من تقرب می جوید تا محبوب من شود و آنگاه که بدو محبت و رزیدم در این حال چنین است که من گوش او هستم که او بدان می شنود، چشم او هستم که بدان می بیند و زبان او هستم که بدان سخن می گوید و دست او هستم که بدان سطوت و نیرومندی بکار برد.

و نمودی از این مرتبت را در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام و درباره آنحضرت نقل شده است متذکر می شویم: از امام صادق علیه السلام سؤال شد از حالتی که برای حضرتش در نماز پیش آمد و بدانجا رسید که غش کرد و به زمین افتاد جواب فرمودند:

«ما زلت اکرر آیات القرآن حتى بلغت التي حال كافي سمعها مشافهة ممن انزلها».

- آنقدر آیات قرآن را تکرار کردم تا به حالی رسیدم که گویی آیات را از زبان آنکه نازلشان فرموده، می شنیدم. گفته اند زبان امام علیه السلام در آنحال همانند «شجره طور» بود که گفت «أنتي انا الله» موسی ای نیست که دعوی انا الحق شود و نه این زمزمه اندر شجره تبت که نیست نتیجه آنکه هر چه انسان ایمان و تقرب بیشتری به وسیله ذکر الله و عبادت، به خدا پیدا کند، از رد ایل اخلاقی و طبایع حیوانی پیراسته تر و به فضایل اخلاقی و ویژگیهای ملکوتی آراسته تر می گردد.

قرآن مجید برای رسیدن انسان به کمال مطلوب و دست یابی وی به مبداء کمال و تقرب به حق از میان عبادات دو عبادت را به عنوان مؤثرترین و مهمترین آنها مقدم دانسته و انسانها را به استعانت و کمک گرفتن از آنها فرمان داده است اول: صبر را که در شمار فضایل اخلاقی است و دوم: نماز را که در شمار عبادات به معنای خاص است. «واستعينوا بالصبر والصلوة» (سوره بقره/ ۱۲)

و تقارن ایندو با هم نشان همسویی و همگونی فضایل اخلاقی و عبادات با همدیگر است و تقدم صبر بر نماز بیانگر نقش صبر به عنوان سبیل فضایل اخلاقی در تحقق عبادات است.

**نماز**  
نماز کاملترین و افضل عبادات است و مهمترین وسیله تقرب انسان به خداست و به همان نسبت مؤثرترین عامل در تربیت اخلاقی می باشد.

نماز همانند عبادات بطور کلی دارای دو مرتبه است، مرتبه صحت و مرتبه قبول. و برای هر یک از این دو مرتبه شرایط و مقدمات و مقارناتی است که بدون آنها صحت یا قبول نماز امکان پذیر نیست. آنچه که در فقه مطرح است به طور عمده برای تأمین صحت نماز است و بیان شرایط و مسائل مربوط به مرتبه قبولی نماز بیشتر در علم عرفان و اخلاق بیان گردیده است.

حضرت امام خمینی رضوان الله علیه در کتاب «آداب الصلوة» می فرماید:

«بدان که از برای نماز غیر از این صورت معنائی است و غیر از این ظاهر، باطنی و چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات نمودن آنها یا موجب بطلان نماز صوری یا نقصان آن می گردد همین طور از برای باطن آدابی است قلبیه که با مراعات نمودن آنها نماز معنوی را بطلان یا نقصان دست دهد. چنانچه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی شود...»

جامعیت نماز چنان است که تأمین شرایط صحت و قبولی آن تقریباً تمام احکام و معارف اسلامی را در بر می گیرد و در حقیقت تحقق نماز صحیح مستلزم علم و رعایت تمام احکام شرعی است همان گونه که تحقق نماز مقبول بدون آگاهی و تحقق تمام معارف و آداب قلبی امکان پذیر نیست و به همین جهت است که نماز ستون دین نامیده شده است.

«الصلوة عمود الدین»  
و همچنانکه خیمه بدون ستون که محور مرکزی و برپا دارنده خیمه است نمی تواند سرپا باشد، کلّ دین، اعم از احکام یا معارف آن، نیز بدون نماز تحقق پذیر نمی باشد. و در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم چنین نقل میفرماید:

«مثل الصلوة مثل عمود القساط اذا ثبت العمود نفعت الاطناب والاولاد والغشاء واذا انكسر العمود لم ينفع طناب ولا وتد ولا غشاء».

(کافی- ج ۳/باب فضل الصلوة)  
مثل نماز مثل ستون خیمه است که هرگاه ستون استوار باشد طنابها و میخها و پوشش سودمند باشد و آنگاه که ستون بشکند هیچ یک از آنها نفعی نخواهند داشت.

و در میان عبادات - که تنها راه تکامل انسان می باشد - نماز به عنوان محور و محک زد یا قبول قرار داده شده است:

«ان قلت قبل ما سواها وان ردت رذما سواها».

- اگر نماز قبول شود سایر عبادات نیز قبولند و اگر رد شود بقیه عبادات نیز مردودند.

و این بخاطر پیوند و ارتباط گسترده ای است که بین نماز و دیگر عبادات برقرار است و این ارتباط به طور اجمال بخواست خداوند در ضمن بحثهای آینده مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

از آنجا که نماز مهمترین وسیله تقرب انسان به خدا و رسیدن به کمالات اخلاقی است طبعاً به همان نسبت مؤثرترین عامل بازدارنده از تمام زشتیها و منکرات است:

«ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر»

(سوره عنکبوت/ 45)

همانا نماز - انسان را از زشتیها و امور ناپسند باز می دارد. و چنین تعبیری با این صراحت و جامعیت فقط در مورد نماز در قرآن مجید آمده است.

بویژه که انسان همواره به لحاظ مقتضیات طبیعی اش با دنیا و متعلقات آن در تماس مستمر بوده و به طور مداوم در معرض آلودگیها و ظلمتهای مربوط به آن میباشد در این میان نماز گذشته از نقش شگرف و تأثیر عمیقی که در پیوند انسان با خدا و عروج به سوی کمال و عالم ملکوت دارد، چون تنها عبادتی است که به صورت مستمر و غیر قابل تعطیل در هر روز پنج بار تکرار می شود، از این جهت نیز نقش گسترده تری نسبت به سایر عبادات در سازندگی و پاکسازی انسان دارد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«اما مثل الصلوة فیکم کمثل السری - وهو النهر - علی باب احدکم یخرج الیه فی الیوم والليلة یغتسل منه خمس مرآت، فلم یبق الدرن علی العسل خمس مرآت ولم یبق الذنوب علی الصلوة خمس مرآت».

(مجتبه البیضاء - ج ۱ - ص ۳۳۹)

همانا مثل نماز در - زندگی - شما همانند نهر آبی است در آستانه

درب خانه یکی از شما که در هر شبانه روز به سوی آن می شتابد و خود را پنج بار در آن شستوشو دهد پس همان گونه که با پنج بار شستشو هیچ چرک و آلودگی بر بدن باقی نمی ماند با پنج بار نماز در شبانه روز گناهی باقی نمی ماند.

همانگونه که قبلاً اشاره کردیم نماز مانند سایر عبادات دارای ظاهر و باطن و صورت و معنی است که ظاهر و صورت را می توان به جسم و باطن و معنی را به روح تشبیه کرد و معلوم است که حیات و سایر مزایا مربوط به روح است و جسم بدون روح بی ارزش است.

گفتیم که برای هر یک از ظاهر و باطن یا صورت و معنی شرایط و اجزائی است که با تحقق آنها صورت و معنی نماز متحقق می شوند و به طور کلی نماز دارای دو مرتبه است: نماز صحیح که مجزی و مسقط تکلیف است و شرایط تحقق آن را شرایط صحت می نامیم و نماز مقبول که موجب ثواب و عروج و تقرب انسان به ساحت قدس الهی است و شرایط تحقق آن را شرایط قبول می نامیم گرچه نماز مقبول به نوبه خود به حسب کیفیت تحقق شرایط آن دارای مراتب بی شماری است.

در هر صورت، نماز به هر مرتبه ای که تحقق یابد متناسب با آن مرتبه موجب کمال و دور کننده از بدیهاست و می توان گفت یک تلازم قطعی بین نماز و نتایج آن برقرار است. و در هیچ صورت نماز در شون و امور زندگی دنیا و آخرت انسان بی اثر نیست، لکن شدت و ضعف تأثیر و گستردگی و عمق آن دقیقاً مربوط است به کیفیتی که نماز هر کس از آن برخوردار است و با این بیان جواب اینکه می گویند چرا فلان کس نماز می خواند و در عین حال آلوده به گناهان است روشن می شود. چرا که اولاً آثار کامل نماز برای نماز کامل است ثانیاً همین شخصی که فرضاً ادنی مرتبه نماز را که همان صحیح ظاهری است انجام می دهد اگر همین نماز را نمی خواند یا با شخصی که نماز در همین مرتبه را نمی خواند مقایسه بشود باز هم به طور نسبی و متناسب با همین مرتبه از نماز، بهتر است و آلودگی کمتری به بسیاری از گناهان دارد.

ادامه دارد

از نجل گرانی و اسراف و لوکس گرانی بر حذر می داشتند اقا این بار این مردمند که به مسئولان می گویند: «از نجل گرانی بپرهیزید».

حافظ خوب می گوید:

فردا که پیشگاه هدایت شود بدید

شرمنده رهروی که عمل برعجاز کرد

از لحاظ شرعی و قانونی خالی از اشکال نیست و بسیاری در بازگشت از سفر خارجی طبق مصوبیتی که دارند وسایل تجملی و لوکس که ورود آنها به کشور ممنوع است سوغات می آورند و... و خدا به این آقایان ذین و تعهد عطا بفرماید... همیشه این مسئولان بودند که مردم را

بفیه از فرهنگ اشرافیت و...

طبق آمار سالانه ۲ هزار تن از مسئولان با پاسپورت سیاسی و ۱۵ هزار نفر دیگر با گذرنامه خدمت به عنوان مأموریت به کشورهای مختلف جهان سفر می کنند، تعدادی اعضای خانواده خود را با هزینه بیست الی سه هزار دلار همراه می برند که